



بررسی معنای «مولی» در حدیث غدیر/ عناصر اصلی در مفهوم «مولی»

با وجود اینکه معنای واژه «مولی» به 27 مورد می‌رسد، اما با توجه به دلایل و قرائن، هیچ يك از آنها در حدیث غدیر نمی‌تواند مراد باشد؛ مگر اینکه با دو معنای «سزاوارتر» و «ولی» مطابقت داشته باشد.

با وجود اینکه معنای واژه «مولی» به 27 مورد می‌رسد، اما با توجه به دلایل و قرائن، هیچ يك از آنها در حدیث غدیر نمی‌تواند مراد باشد؛ مگر اینکه با دو معنای «سزاوارتر» و «ولی» مطابقت داشته باشد.

اغلب اندیشمندان و نویسندگان حدیث، تاریخ، تفسیر و کلام اهل سنت درباره حدیث غدیر قائل به تواتر (1) هستند. مرحوم علامه امینی در کتاب الغدیر، 43 نفر از کسانی را که قائل به صحت و تواتر این حدیث‌اند، برشمرده است و درباره این حدیث می‌گوید: هرگز از پیامبر خدا (ص) حدیثی نخواهید یافت، که به این حد از یقین و تواتر و ثبوت رسیده باشد. لذا در صدور حدیث غدیر از وجود پیامبر اکرم (ص) هیچ‌گونه شکی باقی نمی‌ماند.

در این که واژه «مولی» در حدیث غدیر، نیز تنها بر امامت امیرالمؤمنین (ع) دلالت دارد، هیچ‌گونه شکی وجود ندارد و تفاوتی نمی‌کند که واژه «مولا» در لغت، صریح در این معنا باشد یا به خاطر معانی متعدد، با کنایه اشاره به این معنا داشته باشد. زیرا در آن اجتماع باعظمت و باشکوه روز غدیر، برداشت حاضرین در آن روز و افرادی که پس از گذشت زمان، آن را شنیدند، همگی همین معنا را از این لفظ فهمیده‌اند؛ بدون اینکه هیچ کدام منکر آن شوند و پس از آنها شعرا و شخصیت‌های ادبی تا عصر حاضر نیز همین برداشت را دارند، که این مطلب قوی‌ترین حجت و برهان بر معنای مورد نظر است.

اولی (شایسته‌تر و سزاوارتر) و ولی (سرپرست)؛ دو معنای واژه مولی

کلمه مولی در لغت به معنای شایسته‌تر و سزاوارتر است. یکی از دلایل روشن بر اینکه معنای مولی، سزاوارتر (اولی) است، نظر مفسران و محدثان اهل سنت در تفسیر آیه کریمه: «فالیوم لا یؤخذ منکم فدیة و من الذین کفروا مأواکم النار هی مولاکم و بنس المصیر؛ پس امروز نه از شما فدیهای پذیرفته می‌شود، و نه از کافران؛ و جایگاهتان آتش است و همان سزاوارتر است برای شما؛ و چه بد جایگاهی است» (حدید/15) است. در این آیه، گروهی مولا را تنها (منحصراً) به معنای شایسته‌تر و سزاوارتر تفسیر کرده و برخی نیز در آیه، شایسته‌تر و سزاوارتر را یکی از معانی مولا شمرده‌اند. علامه امینی در الغدیر، نام 42 نفر از کسانی را که مولا را فقط به معنای سزاوارتر می‌دانند، نام می‌برد. از جمله آیات دیگری که مفسرین اهل سنت، در تفسیر آن، واژه مولی را به معنای سزاوارتر به امر (اولی به امر) تفسیر کرده‌اند، آیات 286 سوره بقره، 150 سوره آل‌عمران و 51 توبه است.

کلمه مولی در اصطلاح اهل لغت، به معنای ولی نیز آمده است. یکی از مفسرین اهل سنت به نام فراء در کتاب «معانی القرآن» خود می‌گوید: ولی و مولی در لغت به يك معنا هستند. از طرفی علمای لغت، کلمه سیّد، به معنای آزادکننده برده را از معنای واژه مولی برشمرده‌اند، و از طرف دیگر، امیر و سلطان را از معنای دیگر کلمه مولی محسوب نموده‌اند و عده‌ای از ایشان، اتفاق نظر دارند که ولی و مولی به يك معنا هستند.

تحلیلی بر معنای مولی

با اینکه معنای مولی به 27 معنا می‌رسد، ولی ما یقین داریم که هیچ يك از آنها در حدیث غدیر نمی‌تواند مراد باشد؛ مگر اینکه با آن دو معنا (سزاوارتر و ولی) مطابقت داشته باشد. آن معنای از این قرارند:

1- رب (پروردگار)، 2- عمو، 3- عموزاده، 4- فرزند پسر، 5- پسر خواهر، 6- آزادکننده برده، 7- برده آزادشده، 8- برده، 9- مالک، 10- پیرو، 11- نعمت‌گیرنده، 12- شریک، 13- هم‌قسم، 14- همراه، 15- همسایه، 16- مهمان، 17- داماد، 18- خویشاوندان نزدیک، 19- ولی نعمت، 20- هم‌پیمان، 21- ولی، 22- سزاوارتر به امور، 23- سیّد (معنای آزادکننده برده)، 24- محب، 25- یاور، 26- تصرف‌کننده در امور، 27- متولی امور.

با بررسی دقیق در مطابقت معنای فوق با حدیث غدیر درمی‌یابیم که برخی از معنای فوق قابل مطابقت با معنای حدیث نیستند که به این موارد در ادامه اشاره می‌شود.

معنای غیرمطابق با حدیث غدیر

معنای اول: اراده این معنا در حدیث غدیر، موجب کفر است. چون جز خدای تعالی، پروردگاری در عالم نیست و هرگز پیامبر نمی‌فرماید: هرکسی من رب و پروردگار اویم، پس علی رب اوست.

از معنای دوم تا سیزدهم: به کار بردن هر يك از این معانی واژه مولی در حدیث، مستلزم کذب و دروغ است.

از معنای چهاردهم تا هجدهم: هیچ يك از این معانی به خاطر سبک بودن اراده آنها، امکان ندارد. چرا که در آن اجتماع باشکوه، آن هم در میانه مسیر و در گرمای سوزان، در حالی که پیامبر(ص) دستور داده بودند، آنان که جلوتر رفته‌اند، بازگردند و آنان که از عقب کاروان می‌آیند، بایستند، با وجود آنکه آنجا منزلگاه نیز نبوده و در نتیجه اسباب استراحت در آن، فراهم نبوده است، با این حال اگر بخواهیم یکی از معانی فوق را در حدیث غدیر اراده کنیم، چه فضیلتی برای امیرالمؤمنین(ع) خواهد داشت، که همه حاضرین به آن جهت به ایشان تبریک و تهنیت بگویند؟

معنای نوزدهم: این معنا نیز نمی‌تواند مورد نظر باشد؛ چرا که هیچ ارتباطی بین اینکه پیامبر خدا(ص) به هر کسی نعمتی عطا کرده، امیرالمؤمنین(ع) نیز به او نعمت عطا کرده باشد، وجود ندارد. مگر مقصود این باشد؛ حقی که پیامبر(ص) به واسطه نعمت دین و هدایت و تربیت و ارشاد و اعطای عزت در دنیا و نجات در آخرت بر گردن امت دارد، علی(ع) نیز آن حقوق را دارد؛ زیرا قائم مقام پیامبر(ص) و مدافع او و حافظ شرع و مبلغ دین اوست و از این رو خداوند به حکم آن آیه آشکار به وسیله او، دین را کامل ساخته است و نعمت را تمام کرد. این معنا از معانی امامت که مورد نظر ماست، جدا نیست.

معنای بیستم: اگر منظور از آن، عهد و پیمان با برخی از قبایل جهت صلح و تعامل است، این معنا نیز در علی(ع) راه ندارد؛ چرا که او در تمام کارهای خود تابع و پیرو پیامبر(ص) بوده است. از این رو پیامبر(ص) با هر کسی هم‌پیمان بوده و در حال صلح باشد، علی(ع) نیز با او چنین خواهد بود. ضمن آنکه علی(ع) در معنای هم‌پیمان، با همه مسلمانان برابر است و مطرح ساختن آن درباره خصوص علی(ع)، در آن اجتماع پرشکوه و بی‌نظیر و با آن اهتمام ویژه، واقعاً بی‌مورد است.

معنای بیست و چهارم و بیست و پنجم: بر فرض آنکه از واژه مولی، دو معنای محب (دوست داشتن) و ناصر (یار و یاور) اراده شده باشد، دو صورت دارد. یا مقصود آن است که پیامبر(ص)، مردم را به محبت و یاری علی(ع) تشویق کند، از این جهت که او یکی از مومنان و مدافعان اوست، یا مقصود این است که پیامبر(ص)، علی(ع) را به دوستی و یاری مردم، فرمان دهد. و این دو صورت، یا جمله خبری‌اند، به این معنا که پیامبر(ص) در صدد اعلام خبری هستند، و یا جمله انشایی‌اند، یعنی آنکه پیامبر(ص)، می‌خواهند دستور و امری را برای مردم واجب گردانند؛ که در این صورت باید هر چهار احتمال را بررسی کنیم:

احتمال اول (پیامبر(ص)، مردم را به محبت و یاری علی(ع) تشویق کنند): این امر، مطلب تازه و ناآشنایی برای مردم نیست و سابقه فراوانی دارد و در مناسبت‌های مختلف، پیامبر(ص)، متذکر آن شده‌اند، و اهمیت آن تا به اینجا نمی‌رسد که، طبق بیان صریح قرآن، اگر آنرا انجام ندهد، رسالت خود را ابلاغ نکرده است و نیز بخاطر ابلاغ آن، مردم را در آن مکان رنج آور و نامناسب نگه دارد و آن اجتماع پرشکوه را ترتیب بدهد و دین را با آن کامل و نعمت را با آن تمام و خوشنودی پروردگار را جلب نماید، به طوری که گویا امر تازه‌ای آورده است و قانون جدیدی وضع نموده، که قبلاً وجود نداشته و مسلمانان از آن بی‌خبر بوده‌اند، و در پی آن مردم بیایند و به علی(ع) تبریک بگویند، آن هم با عبارتی چون: "أصبح مولای و مولی کل مومن و مومنه" (تو مولای من و مولای هر مرد و زن با ایمان هستی) (2)، عبارتی که از وقوع حادثه بزرگی خبر می‌دهد. از طرفی هر مسلمانی، در هر شب و روز، این آیات را در قرآن می‌خواند: «المؤمنون و المومنات بعضهم اولیا بعض؛ مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند» (توبه/71) و همچنین «انما المؤمنون اخوه؛ مومنان برادر یکدیگرند» (حجرات/10) که دلیل روشن و آشکاری بر وجوب مهرورزی مسلمانان با یکدیگر همچون مهر و محبت دو برادر به یکدیگر است. پس ابلاغ دوباره آن، با آن شرایط خاص و ویژه، توجیه عقلی و منطقی ندارد و ما نیز ساحت مقدس پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله را از این کار بیهوده، دور می‌دانیم و پروردگار حکیم را نیز از این دستور عبث، پاک و منزّه می‌دانیم.

احتمال دوم (پیامبر صلی الله علیه و آله، محبت و یاری علی علیه السلام را به مردم واجب گرداند): این احتمال نیز در سبکی، کمتر از احتمال نخست نیست. زیرا پیرامون محبت و یاری دادن علی علیه السلام، فرمان صادر نشده و قانون وضع نشده‌ای باقی نمانده بود، که نیازی به ابلاغ داشته باشد. بعلاوه اگر منظور پیامبر صلی الله علیه و آله، فرمان مهر ورزیدن به علی علیه السلام بود، نباید می‌فرمود: "من کنت مولا... (هر کس که من مولای او هستم...) بلکه باید می‌فرمود: "من کان مولای، فهو مولی علی" (هرکس دوستدار من است، پس دوستدار و یاری کننده علی است). از این رو، این 2 احتمال خارج از معنای مولا در حدیث غدیر می‌باشد.

احتمال سوم (پیامبر صلی الله علیه و آله از فرمانشان به علی علیه السلام مبنی بر وجوب دوستی و یاری به مردم بر او، به مردم

خبر دادند): اگر منظور، این معنا بوده باشد، باید پیامبر صلی الله علیه و آله این معنا را به حضرت علی علیه السلام، ابلاغ و تاکید می نمود نه به مردم.

احتمال چهارم (پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را به یاری و دوستی با مردم، فرمان دهند): پیامبر خدا در این صورت، دیگر از اهتمام یاد شده و ایراد خطبه برای مردم و درخواست شنیدن آنان و از سوگند دادن و گرفتن اقرار از مردم، مبنی بر اینکه؛ آیا پیام الهی را به شما ابلاغ کردم، بی نیاز می شد، مگر آنکه ایشان خواسته باشد، عواطف مردم را جلب نماید و محبت شان را با یادآوری این امر نسبت به علی علیه السلام، تقویت کند، به طوری که اگر آنان آگاه شوند که علی علیه السلام، آنان را دوست می دارد و یارشان می باشد، از او پیروی نموده و با او مخالفت نمی کنند و هرگز سخنش را رد نمی نمایند. حال اگر منظور ایشان، جلب عواطف و تقویت محبت مردم باشد، از اینکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کلامشان را با جمله "من کنت مولاه..." آغاز کردند می فهمیم که، منظور حضرت، محبت و یاری معمولی و رایج در میان افراد مومن نیست. بلکه، محبت و یاری از نوع محبت و یاری ویژه خود پیامبر صلی الله علیه و آله است. و واضح و روشن است که محبت و یاری پیامبر صلی الله علیه و آله، مانند محبت و یاری سایر مومنان نبوده و قابل مقایسه نمی باشد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله از آن جهت امتش را دوست دارد و آنان را یاری می کند که، رهبر دین و دنیای مردم و صاحب اختیار آنان و حافظ و نگهبان کیان آنها و نسبت به خودشان از آنان سزاوارتر و شایسته تر است؛ زیرا اگر چنین نباشد درندگان وحشی آنان را پاره پاره می کردند و از هر سو دستهایی به سویشان جهت غارت و تجاوز دراز می شد. در نتیجه هدف خدای تعالی که گسترش دعوت حق و ترویج دین مبین و برپایی کلمه الله می باشد، به خاطر از هم پاشیدن جامعه نقض می شد. پس برای هر کس حفظ هدف الهی، چنین محبت و یاری کردنی ضروری است و هر کس از چنین محبت و نصرتی برخوردار باشد، بی شک خلیفه خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله در روی زمین است. و در این صورت که مقصود، جلب عواطف و تقویت محبت مردم باشد، واژه مولی بر غیر معنای یاد شده قابل حمل نیست.

معانی قابل استفاده از واژه مولا در حدیث غدیر

اما معانی قابل استفاده از واژه مولا در حدیث غدیر، موارد ذیل را در بر می گیرد:

معنای بیست و یکم و بیست و دوم: در فهم کلمه ولی، فقط معنایی که از واژه اولی (سزاوارتر به امور) برداشت می شود را می توان اراده کرد، زیرا به کار بردن سایر معانی، صحیح نیست.

معنای بیست و سوم: سید به معنای یاد شده، جدای از معانی اولی (سزاوارتر به امور) نیست، زیرا سید، یعنی مقدم بودن بر دیگران؛ به ویژه در جمله ای که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با آن، ابتدا خود را توصیف نموده و سپس با همان شکل عموزاده اش را وصف می نماید. از این رو محال است که این سیادت و آقایی به دست آمده، از راه ظلم و ستم به دست آمده باشد، بلکه سیادت و سروری دینی و عمومی است، سیادتی که پیروی آن بر همه مردم واجب است.

معنای بیست و ششم: اراده این معنا در واژه مولی ممکن نیست، مگر اینکه از آن، به تصرف کننده در امور، اراده شده باشد. به معنای آن کسی که خداوند، پیروی از او را لازم دانسته، تا بشر را به راههای رستگاری رهنمون نماید. و از این رو، او بر هر نوع تصرفی در جامعه انسانی سزاوارتر از دیگران است و کسی که اختیار تصرف در جامعه انسانی و همه ابعاد بشری را داشته باشد، جز پیامبر مبعوث، یا امام به عنوان جانشین پیامبر، که به فرمان الهی از سوی پیامبرش به امامت او تصریح شده، نمی تواند باشد، چنانکه قرآن می فرماید: «و ما ینطق عن الهوی* ان هو الا وحی یوحی؛ و [پیامبر] هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید، آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده، نیست» (نجم/3 و 4).

معنای بیست و هفتم: این معنا نیز از معنای اولی جدا نیست. خصوصا به همان معنایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود را بدان وصف کرده است.

بنابراین پس از غواصی در دریای لغت و کتب ادبیات عرب، معنای حقیقی واژه مولی غیر از اولی به شیء (سزاوارتر به امور) نیست و این معنا، همه معانی دیگر را دربردارد و معنای اولی به نوعی در هر یک از آنها موجود است. در واقع مولی تنها يك معنی دارد و آن اولی به شیء (سزاوارتر به امری) است. و این اولویت، بسته به موارد کاربردش تغییر می کند.

قرینه های تعیین کننده معنای مولی در حدیث غدیر

تا بدینجا برای اهل تحقیق چاره ای جز پذیرش معنای اولی (سزاوارتر) برای واژه مولی نیست. اما قرینه هایی غیر از معنای مولی می توان یافت که با آن قرائن و نیز کاوش دقیق در تمام لحظات و آنات قبل و بعد از واقعه غدیر، می توان اثبات نمود که

کلمه مولی، تنها در معنای اولی به کار رفته است. مرحوم علامه امینی در الغدير 20 مورد از این قرائن را به دقت واکاوی نموده است، ولی ما تنها به ذکر 6 مورد از آنها اکتفا می کنیم.

قرینه اول: در آغاز واقعه غدیر که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: "ألست أولى بكم من أنفسكم" (آیا من نسبت به شما از خودتان سزاوارتر نیستم و بر شما ولایت مطلقه ندارم؟) از لفظ اولی به معنای سزاوارتر و ولی و سرپرست استفاده نموده اند، و بعد از آن جمله "من كنت مولاة فعلى مولاة" (هرکس که من مولای اویم، علی مولای اوست) را بعد از جمله فوق به کار می برند. که این مطلب دال بر آنست که معنای مولی را مانند جمله قبل در اولی و ولی به کار برده اند. این مطلب را بسیاری از علمای شیعه و اهل سنت نقل کرده اند. علامه امینی در الغدير به 64 مورد از بزرگان اهل سنت که این مطلب را نقل نموده اند، اشاره کرده است؛ که از جمله مهمترین حفاظ و امامان اهل سنت از این قرارند: ابو عبدالله احمد بن حنبل شیبانی (امام حنبلیان)، حافظ، محمد بن عیسی ابو عیسی ترمذی (نگارنده صحیح ترمذی، از کتب اصلی و صحیح اهل سنت)، حافظ، ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب نسائی (نگارنده سنن نسایی، از کتب اصلی و صحیح اهل سنت)، حافظ، ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی (نگارنده سنن ابن ماجه، از کتب اصلی و صحیح اهل سنت)، حافظ، محمد بن جریر طبری (نگارنده تفسیر و تاریخ طبری).

لذا آغاز کلام پیامبر (ص) از بخش های صحیح و ثابت این حدیث است، که چاره ای جز اعتراف به آن نیست. از طرفی اگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از این کلام، غیر از معنایی که در مقدمه بدان تصریح نموده اند، قصد می کردند، هر آینه کلامشان - که ما معتقدیم از هر لغزشی به دور است مضطرب و به هم ریخته می گشت و از بلاغت و زیبایی می افتاد، در حالی که آن حضرت أفصح البلاء (فصیح تر از همه انسان های اهل فصاحت کلام) است. پس برای ما که باور داریم، همه اجزای کلام پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت اینکه از منبع وحی بر زبانشان جاری می گردد، با هم مرتبط است، راهی نیست جز اینکه بگوییم معنای اولی با مولی متحد و یکسان است و چون اولی در آغاز کلام پیامبر صلی الله علیه و آله به معنای سزاوارتر به امر است، پس مولی در کلام بعدی نیز به همین معناست.

قرینه دوم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پایان حدیث غدیر می فرماید: "اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله" (خداوندا کسی را که علی علیه السلام را دوست می دارد، دوست بدار و کسی را که با او دشمنی می کند، دشمن بدار، یاری کننده او را یاری و خوار کننده او را خوار گردان). به 2 دلیل می توان اثبات نمود که مولی جز با معنای اولویت و سزاوار بودن بر امامت، سازگاری ندارد؛

دلیل اول: هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مقام شامخ امامت را که خداوند به وصیتش واگذار کرده بود، آشکار ساخت، طبیعتاً می دانست که تحقق این امر، نیازمند به ارتش و حامی و اطاعت والیان و استانداران و فرمانداران و کارگزاران است. و نیز می دانست - آن گونه که در قرآن آمده (3) - در میان مردم افرادی هستند که به او حسادت می ورزند. و همچنین می دانست، کسانی هستند که کینه او را در دل خود پنهان می کنند و افرادی میان منافقان وجود دارند که به خاطر خونخواهی های جاهلی، دشمنی او را در دل پنهان داشته اند و نیز باخبر بود که پس از او از سوی آزمندان حکومت و مال، فتنه و فساد بر گرفته از حرص و ولع پدید خواهد آمد، و آنان از علی علیه السلام خواسته هایی خواهند داشت، که شایستگی آن را ندارند و علی علیه السلام نیز طبق به حق، خواسته های آنان را به دلیل عدم کارآمدگی و عدم شایستگیشان برآورده نخواهد ساخت و در نتیجه آنان سپرهایشان را در مقابل او خواهند گرفت و در برابرش صف آرایی می کنند. چنان که این مطلب را اینگونه بیان می فرمایند: «ان تومروا علیا- ولا اراکم فاعلین- تجدوه هادیا مهديا؛ اگر از علی علیه السلام فرمانبرداری کنید - و البته می دانم که انجام نمی دهید - هر آینه او را راهنما و هدایت شده خواهید یافت.» (4)

بنابراین به دلیل آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله از وقایع آینده با خبر بودند، از این رو برای دوستداران و یاری کنندگان علی علیه السلام شروع به دعا می نمایند و دشمن و خوار کننده او را نفرین می کنند. تا آنکه امر خلافت برای او تثبیت گردد و مردم بدانند که محبت او سبب جلب محبت خدای سبحان، و دشمنی با او و خوار ساختن او سبب خشم و غضب خدا خواهد شد. چنین دعائی تنها هنگامی صادر می شود، که شخص مورد دعا، از ارکان دین و نشانه اسلام و امام امت باشد و روگردانی از او، سبب شکستن بازوی حق و گسستن دستگیره اسلام باشد.

دلیل دوم: این دعا به جهت عمومیتی که دارد، دلالت بر عصمت امام می کند، به دلیل آنکه چکیده معنایش این است که، در هر حال و در هر زمان و بر هر کسی، دوستی و یاری علی علیه السلام واجب و دشمنی با او و خوار شمردن او حرام است. این عبارت حاکی از آنست که علی علیه السلام، در همه احوال، دارای صفاتی است که مانع انجام گناه از جانب او می شود، چرا که او هیچ گاه سخن غیر حق نمی گوید و عمل باطل انجام نمی دهد و با غیر حق همراه نمی باشد. بنابراین دارنده این صفات، قطعاً امام است و نسبت به مردم، اولویت داشته و سزاوارتر از خودشان به خودشان است.

قرینه سوم: سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که فرمودند: «یا ایها الناس بم تشهدون؟ قالوا: نشهد ان لا اله الا الله. ثم مه؟ قالوا: و انّ محمدا عبده و رسوله. قال: فمن ولیکم؟ قالوا: الله و رسوله مولانا؛ ای مردم! به چه چیزی شهادت می دهید؟ گفتند: شهادت به لا اله الا الله. فرمود: پس از آن به چه؟ گفتند: به این که محمد بنده و فرستاده اوست. فرمود: ولی شما کیست؟ گفتند: خدا و رسولش مولای ما هستند» (5). در این لحظه پیامبر صلی الله علیه و آله بازوی علی علیه السلام را گرفت و آن را بلند کرده و فرمود: "من یکن الله و رسوله مولا، فان هذا مولاہ ... " (هرکس که خدا و پیامبرش مولای اوست، همانا این علی مولای اوست). همین که ولایت امیرالمومنین در کنار شهادتین و در قالب آن می آید، دلیل روشنی است بر اینکه معنای امامت، اولویت داشتن بر مردم است، همانگونه که پیامبر نسبت به مومنان از خودشان سزاوارتر است، علی علیه السلام نیز بر مومنان از خودشان سزاوارتر است.

قرینه چهارم: کلام پیامبر صلی الله علیه وآله پس از پایان حدیث غدیر که فرمودند: «الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمه و رضی الرب برسالتی و الولایه لعلی بن ابی طالب؛ الله اکبر بر کامل شدن دین و تکمیل نعمت و خوشنودی خدا از پیام رسانی و رسالت من و ولایت علی بن ابی طالب» لذا طبق فرمایش نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله تنها معنایی که از ولایت برداشت می شود، جز امامتی که تمام کننده برنامه های هدایت و کامل کننده تبلیغ دین و تثبیت کننده پایه های رسالت است، نمی باشد. پس در این صورت کسی که عهده دار این مسئولیت مقدس می شود، نسبت به مردم سزاوارتر از خودشان است.

قرینه پنجم: کلام پیامبر صلی الله علیه وآله بعد از بیان ولایت علی علیه السلام که فرمودند: «هنتونی، هنتونی ان الله تعالی خصنی بالنبوۃ و خص اهل بیتی بالامامة به من تبریک بگوئید، به من تبریک بگوئید، زیرا خدای متعال مرا به پیامبری و اهل بیتم را به امامت برگزید» (6). این عبارت به وضوح بیانگر این است که امامت، مختص اهل بیت علیهم السلام است و در رأس آنها امیر مومنان علیه السلام قرار دارد، و همچنین تهنیت و تبریک گفتن و برگزاری مراسمی جهت بیعت گرفتن از مردم که تا سه روز هم ادامه می یابد، با غیر خلافت و ولایت سازگاری ندارد؛ به همین دلیل است که شیخین (ابوبکر و عمر) وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام را ملاقات کردند، به او تبریک گفتند، و این مطلب، بیانگر معنای واژه مولی در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله است. بنابراین آن کسی که آراسته به صفت مولی است، کسی است که نسبت به مردم سزاوارتر از خودشان می باشد.

قرینه ششم: کلام پیامبر صلی الله علیه وآله پس از بیان ولایت علی علیه السلام که فرمودند: «فلیلغ الشاهد الغائب؛ باید حاضران به غایبان برسانند» (7). آیا باورکردنی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله امری را از قبیل دوستی و محبت و یاری که میان مسلمانان رواج دارد و برای آنان بر طبق بیان قرآن و روایات، روشن و واضح است را این چنین مورد تاکید قرار دهد و این مقدار اهتمام ورزد؟ لذا حتما پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مسئله مهمی را در نظر داشته است که تا آن لحظه، زمینه را برای ابلاغ آن فراهم نمی دیده اند و حتما باید افرادی که در آن اجتماع حضور نداشتند، از آن مطلع گردند. و این مسئله مهم، جز امامت نخواهد بود. و البته حاضران در آن اجتماع نیز از کلام پیامبر صلی الله علیه و آله غیر از این برداشت نکردند. و این امر مهم، جز با معنی اولی از معانی واژه مولی مطابقت و مناسبت ندارد.

احادیث بیان کننده معنای مولی و ولایت

غیر از بررسی معانی مختلف واژه مولی در علم لغت و نیز کاوش و تحلیل قرائن موجود در واقعه غدیر و اثبات اینکه کلمه مولی در معنای امام به کار رفته است، احادیث فراوانی از پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام وجود دارد که به این مطلب تصریح می کنند و معنای ولایت و امامت را در حدیث غدیر به روشنی و وضوح از کلمه مولی، تفسیر می نمایند. علامه امینی در الغدیر به 10 روایت در این رابطه اشاره می نماید و ما فقط به ذکر 2 مورد از آنها بسنده می کنیم؛

1- علی بن حمید قرشی در کتاب «مسند شمس الأخبار» در صفحه 38 از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند؛ که وقتی از پیامبر معنای عبارت «من کنت مولا، فعلی مولا» را پرسیدند، حضرت فرمود: «الله مولای، اولی بی من نفسی لا أمر لی معه، و انا مولی المؤمنین، اولی بهم من أنفسهم لا أمر لهم معی، و من کنت مولا اولی به من نفسه لا أمر له معی، فعلی مولا اولی به من نفسه لا أمر له معه» (خدا مولای من است و از من به خودم سزاوارتر است، و با وجود او، امری به دوش من نمی باشد. و من مولای مؤمنان هستم و از آنها نسبت به خودشان سزاوارترم، و آنان با وجود من، امری به دوششان نمی باشد. و هرکس که من مولای او هستم و از او نسبت به خودش سزاوارترم، علی نیز مولای اوست و از او نسبت به خودش سزاوارتر است و با وجود علی علیه السلام، امری به گرده اش نمی باشد)

2- شیخ الاسلام ابو اسحاق ابراهیم بن سعدالدین بن حمویه (حموی) در کتاب "فرائد السمطين" جلد 1، صفحه 312، حدیث 250 نقل می نماید؛ حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در زمان عثمان در مناشده خود فرمود: آنگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر، خطبه ای ایراد کردند و فرمودند: "ای مردم! آیا می دانید که خدای عزوجل مولای من است و من مولای مؤمنان و نسبت به آنها سزاوارتر از خودشان هستم؟" گفتند: آری، ای پیامبر خدا! فرمود: "ای علی! بایست" و من ایستادم. آنگاه

فرمود: «هرکسی من مولای او هستم، علی نیز مولای اوست. خدایا دوست بدار دوستدار او را و دشمن او را دشمن بدار». در این لحظه سلمان برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! ولایت علی، چگونه ولایتی است؟ فرمود: «ولاء کولای، من کنت أولى به من نفسه فعلى أولى به من نفسه» (ولایتی مانند ولایت من؛ هرکس که من بر او اولویت دارم، علی نیز بر او اولویت دارد). (8)

حجت الاسلام و المسلمین محمدحسین مشکوری

مدیر کانون خورشید

پانوش

- 1 - تواتر در اصطلاح بیانگر بسیار گزارش شدن خبری است که از طریق آن اطمینان به آن خبر حاصل شود. خبر برخوردار از این ویژگی، متواتر نامیده می شود، گویی این خبر پی درپی آمده است.
- 2 - جمله ای که شیخین (ابوبکر و عمر) به عنوان اولین بیعت کنندگان بعد از بیعت با علی علیه السلام گفتند.
- 3 - آیه 54 سوره نسا، (یا اینکه نسبت به مردم (پیامبر و خاندانش علیهم السلام)، بر آنچه خدا از فضلش به آنها بخشیده، حسد می ورزند)
- 4 - مسند احمد بن حنبل، جلد 1، صفحه 109
- 5 - المعجم الكبير طبرانی، جلد 2، صفحه 375، حدیث 2505
- 6 - شرف المصطفی، حافظ ابو سعید خرکوشی
- 7 - کتاب سلیم بن قیس هلالی، جلد 2، صفحه 788، حدیث 26
- 8 - برگزیده ای از الغدير علامه امینی جلد 1 صفحات 609 تا 691